دنیا به روایت تصویر

تایمز- در حاشیه مسابقات سوارکاری، ایرلند

شینهوا- ساخت مجسمه با لاستیک های فرسوده و بازیافتی، چین

تلگراف- کالسکه رانی به سبک قدیم زیر برج ایفل، فرانسه

▪ در محضر بزرگان ▪

طوری حرف نزنید که آبروی کسی برود

آیت ا... جوادی آملی درباره مراقبت از رفتار و گفتار انسان، در کلاس درس اخلاق خود فرموده اند:
«ادب، رعایت عاطفه، رعایت گفتار و رفتار این ها اصرار قرآن کریم است. به پیغمبر(ص) فرمود به مردم بگو؛ اگر قلم دست شماست مواظب رفتار خود باشید. شما که می‌توانید دو نحوه بنویسید، چرا طوری حرف می‌زنید که آبروی کسی برود؟ چرا طوری حرف می‌زنید که کسی متهم شود؟ شما که می‌توانید دو نحوه حرف بزنید، چرا طوری حرف می‌زنید که کسی را برنجانید؟ مگر رنجاندن، کرامت است؟ مگر آبرو بردن فضیلت است؟نه تنها حرفِ خوب بزنید، نه تنها نوشته خوب داشته باشید، بلکه نوشته خوب‌تر و حرف خوب‌تر بزنید. این کار را بکنید، چون شیطان در کمین است. بخش وسیعی از آبروریزی‌ها و استرس‌ها و زد و خوردها در همین مواظب نبودن گفتار و رفتار است.» کانال رسمی آیت ا... جوادی آملی

▪ فتوشعر ▪

▪ حکایت ▪

وزارت شاه یا بندگی خدا؟

پادشاهی را وزیری عاقل بود که از وزارت دست برداشت. پادشاه از دیگران سراغ وزیر را گرفت. گفتند از وزارت دست برداشته و به عبادت خدا مشغول شده است. پادشاه نزد وزیر رفت و از او پرسید: «از من چه خطا دیده ای که وزارت را ترک کرده ای؟»وزیر گفت: «به پنج دلیل تو را ترک کردم. اول آن که تو نشسته بودی و من به حضور تو ایستاده می‌ماندم، اکنون بندگی خدایی می کنم که مرا در وقت نماز هم حکم به نشستن می کند. دوم آن که طعام می‌خوردی و من نگاه می کردم، اکنون رزاقی پیدا کرده‌ام که او نمی خورد و مرا می‌خوراند. سوم آن که تو می خوابیدی و من پاسبانی می کردم، اکنون خدای چنان است که هرگز نمی‌خوابد و مرا پاسبانی می کند. چهارم آن که می‌ترسیدم اگر تو بمیری مرا از دشمنان آسیب برسد، اکنون خدای من چنان است که هرگز نخواهد مرد و به من از دشمنان آسیب نخواهد رسید. پنجم آن که می‌ترسیدم اگر گناهی از من سرزند عفو نکنی، اکنون خدای من چنان رحیم است که هر روز صد گناه می کنم و او می بخشاید.» تبیان

▪ فارسی بنویسیم ▪

حذف تنوین

به علی گفتم: «چقدر خوب بود اگه می شد تنوین را از گفتار و نوشتارمون حذف کنیم» گفت: «مثلا چطور؟» گفتم: «همین «مثلا» را می تونیم بگیم «به طور مثال»». علی پرسید: «یعنی میگی تنوین را کلا حذف کنیم؟» گفتم: «بله، در حد امکان. در ضمن به جای «کلا» می تونیم بگیم «به طور کل»». علی با ته خودکار عینکش را بالا زد و به من خیره شد که ادامه دادم: «بله علی آقا، به جای ظاهرا می تونیم بگیم «به ظاهر». به جای دائما می تونیم بگیم دایم. به جای عمدا بگوییم «به عمد» و...» علی وسط حرفم پرید و گفت: «البته می شه خیلی جاها رعایت کرد، ولی گاها اشتباه پیش میاد.» گفتم: «علی جان! این یکی رو دیگه خیلی بدخوندی. عزیز من، «گاه» فارسی چه ربطی به تنوین عربی داره؟ داری ناامیدم می کنی!» علی با خنده گفت: «منظوری نداشتم» تازه فهمیدم چقدر وظیفه ام سنگین است. با خداحافظی از علی جدا شدم و به فکر فرورفتم. اسماعیل فریدونی

▪ فتونکته ▪

▪ اندکی صبر ▪

فصل خاطره ها

صبح است و دلم به مهر باور دارد
آبان که گذشت دل به آذر دارد
پاییز برای من شده این تعبیر:
«فصلی که فقط خاطره در سر دارد» مجتبی قندالی

▪ دور دنیا ▪

اثری باستانی که تاریخ هنر جهان را عوض کرد

آدیتی سنترال- در سال ۲۰۱۵ محققان دانشگاه «سینسیناتی» قبری را در جنوب یونان کشف کردند که متعلق به مردی ثروتمند در سه هزار و ۵۰۰ سال پیش بود. باستان شناسان جواهرات گران بها، زره و سلاح و اشیای دیگر ساخته شده از فلزات باارزش را از داخل این قبر بیرون کشیدند، اما هیجان انگیزترین کشف آن ها سنگی بود که با آهک پوشانده شده بود و یک سال پس از مرمت راز آن کشف شد. این سنگ آهک به طرز شگفت آوری با ظرافت تمام صحنه درگیری جنگ را تنها در سه سانتی متر به نمایش گذاشته است که باعث شد تاریخ هنر و حکاکی در جهان دگرگون شود. برخی از اجزای ریزی که روی سنگ طراحی شده اند کمتر از یک میلی متر طول دارند.

کفش هایی به شکل پای اردک

تاکسل-یک شرکت تولیدکننده کفش، به تازگی کفش های عجیبی را روانه بازار کرده که با استقبال روبه رو شده است. کناره های این کفش ها چیزی شبیه باله دارد که با الهام از پاهای اردک ساخته شده است. این کفش های پا اردکی برای شنا و راه رفتن روی صخره ها به شدت کاربردی و مناسب است چون کف پلاستیکی این کفش ها در محیط هایی که احتمال سر خوردن وجود دارد به راه رفتن کمک می کند و باله های آن برای شنا بسیار مناسب و به درد بخور است.

گردش شتر در اتوبان!

آسوشیتدپرس- در ایالت اوهایو، شتر جوانی پس از گردش یک ساعت و نیمه در اتوبان که باعث ایجاد ترافیک شدیدی شده بود، دوباره به خانه اش برگشت! این شتر یک ساله به نام «اسکوبی» از پارکینگ خانه صاحبش فرار کرد و سپس شهر را به هم ریخت. در نهایت پس از آن که همسایه صاحب شتر آن را در خیابان و سرگردان دید با پلیس تماس گرفت و به همسایه اش نیز خبر داد تا بیاید و شترش را جمع کند! «نبیل شاهین» صاحب این شتر پس از گرفتن شترش به خبرنگاران گفت که از کودکی این شتر را نزد خودش نگه داشته و از این که هیچ صدمه ای ندیده خیلی خوشحال است. البته خوشبختانه خطری هم برای خودروهای دیگر به وجود نیامده بود.

پدر کودکان بیمار

آدیتی سنترال-«محمد بزیک»، مهاجر ۶۲ ساله مسلمان که در کالیفرنیا زندگی می کند، دو دهه گذشته از زندگی اش را صرف نگهداری و سرپرستی از کودکانی کرده است که آن قدر بیمارند که هیچ کس حتی دولت حاضر به نگهداری از آن ها نیست! حدود ۶۰۰ کودک از ۳۵ هزار کودکی که تحت پوشش بیمارستان های دولتی کالیفرنیا هستند، آن قدر بیماری شان حاد و در مراحل سخت است که حتی والدین شان هم از آن ها فراری اند. این مهاجر مسلمان ۲۰ سال است که همه زندگی اش را وقف این کودکان کرده است و در منزل شخصی اش از آن ها نگهداری می کند.

▪ آزمون هوش ▪

توپ حرف گوش کن!

باید یک توپ هفت سنگ را با بیشترین سرعتی که می توانیم پرتاب کنیم، به شرط این که: به جایی برخورد نکند، چیزی به آن وصل نکرده باشیم و کسی هم آن را نگیرد، با این شرایط توپ باید دوباره به دست خودمان برگردد. چگونه؟

▪ پاسخ مسابقه این کیه؟ ▪

این هم کاریکاتور کامل چهره مسابقه قبلی یعنی آقای هومن سیدی که قولش رو داده بودیم. منتظر مسابقه بعدی ما باشید.

▪ گزارش های یک مریخی ▪

گزارش شماره ۱۶ : آیا زمین از آشغال خوشش می‌آید؟

من یک مریخی هستم که به زمین آمده‌ام. ما آن جا سردمان بود و تصمیم گرفتیم وضعیت زمین و زمینی‌ها را برای سکونت بررسی کنیم. گزارش‌های دنباله دار من در این ماموریت را این جا می‌خوانید. یک چیزی که فهمیده‌ام این است که زمینی‌ها به شدت مسئولیت‌پذیر و پاکیزه هستند و دوست ندارند کوچکترین زباله یا کثیفی توی خانه‌شان باشد. بنابراین آشغال‌شان را از خانه بیرون می گذارند. البته اشکالی که وجود دارد این است که از دم خانه‌شان یک قدم آن ورتر که می‌روند، کلا یادشان می‌رود که آشغال کثیفی دارد و چهره زشتی به محیط اطراف می‌دهد.
بین اهالی ساختمان، تنها کسانی که هر شب، راس ساعت ۹ آشغال‌ها را می‌آورند می گذارند دم در، از قضا من و بابای ناهید هستیم. همین باعث می‌شود هر شب همدیگر را آن جا ببینیم و به هم لبخند بزنیم. البته در واقع من لبخند می‌زنم و بابای ناهید به من چشم غره می‌رود. بقیه اهالی هر کدام با نیم ساعت یا چند ساعت تاخیر آشغال ها را می‌آورند. آقای رانتی‌زاده هم که برایش افت دارد آشغال پایین بیاورد، از همان بالا کیسه زباله اش را می‌اندازد پایین و گاهی روی سر ما می‌ریزد که این موضوع من را اذیت می کند.
دیروز هم اتفاقی توی خیابان، آقای رانتی‌زاده را دیدم و از آن جایی که مسیرمان تا خانه یکی بود لطف کرد مرا سوار ماشین شاسی بلندش کرد. توضیح این که ماشین‌های شاسی بلند زمینی‌ها از بقیه ماشین‌هایشان یک سر و گردن بالاترند و شما وقتی داخل‌شان می‌نشینی همه را از بالا به پایین می‌بینی و این عادت می‌شود همیشه همه را این جوری ببینی. آقای رانتی‌زاده در مسیر، آشغال میوه‌هایی که می‌خورد را از پنجره توی خیابان می‌ریخت و در جواب من که گفتم: «چرا پوست موزها را می‌ریزی تو خیابون»، گفت: «سخت نگیر، مامور شهرداری واسه جمع کردن همیناست دیگه» البته من نمی‌فهمم چرا باید آشغال بریزند که باز یکی را مامور کنند جمع‌شان کند. ولی گویا مدل‌شان این جوری است. باید درباره علل این همه تلاش زمینی‌ها برای به گند کشیدن کره‌شان هم تحقیقی مفصل انجام دهم، شاید هم زمین خودش این طوری خوشش می‌آید؟!
با تشکر، مامور پاکیزه شما، بهرام۶۲۵. پایان گزارش شانزدهم/

محمدعلی محمدپور

▪ داستانک ▪

فرق هندوانه با هندوانه!

فقیری به نزد هندوانه فروشی رفت و گفت: «هندوانه‌ای برای رضای خدا به من بده. فقیرم و چیزی ندارم.» هندوانه فروش درمیان هندوانه ها گشتی زد و هندوانه خراب و به دردنخوری را به فقیر داد.فقیر نگاهی به هندوانه کرد و دید که به درد خوردن نمی خورد.
مقدار پولی که به همراه داشت به هندوانه فروش داد و گفت: «به اندازه پولم به من هندوانه ای بده.» هندوانه فروش هندوانه خوبی را وزن کرد و به مرد فقیر داد. فقیر هر دو هندوانه را رو به آسمان گرفت و گفت: «خداوندا بندگانت را ببین... این هندوانه خراب را به خاطر تو داده و این هندوانه خوب را به خاطر پول!»
سایت شفاف

▪ دی روزنامه ▪

ببخشید که عذر نمی‌خواهیم!

در این چند روز، کاری به خبرهای جهانی نداشتیم و متاسفانه بیشتر درگیر زلزله و اخبار و حاشیه‌هایش بودیم و معطل مانده بودیم که چگونه به زلزله زده‌ها کمک کنیم که هم به دست‌شان برسد و هم به دردشان بخورد و کارشان را راه بیندازد! در همین مدت خبری منتشر شد که حیف بود از بین برود و نادیده گرفته شود. آن هم این که در ژاپن شرکتی تاسیس شده که به ازای دریافت پول از مردم، برای افرادی که دوست ندارند از دیگران شخصا عذرخواهی کنند به جای آن ها عذرخواهی می‌کند. شاید بتوان گفت تاسیس این شرکت بعد از کشف آتش و اختراع چرخ، یکی از مهم‌ترین کارهایی است که بشر انجام داده است، البته بعد از اختراع سالاد الویه! این روزها جای خالی این شرکت در کشور خودمان هم دیده می‌شود. همان طور که هر چیزی که در دنیا راه می‌افتد و ما برش می‌داریم و بومی‌اش می‌کنیم، از اینترنت گرفته تا تاکسی‌های آنلاین، خوب است فوری ایده این شرکت را هم برداریم و بومی‌اش کنیم و در کشور رواجش بدهیم.
حتی می‌توان از ظرفیت این شرکت برای عذرخواهی در موارد دیگر هم استفاده کرد. از ترافیک و وجود خودروهای تک سرنشین و آلودگی هوا گرفته تا گران کردن مایحتاج مردم و اجاره خانه و قبض‌ها و دیگر کاستی‌های خدمات دولتی و غیردولتی مردمی و نامردمی!
حال که می‌خواهند این شرکت را راه بیندازند، بد نیست در کنارش شعبه‌های مختلفی هم بزنند تا موارد دیگر را هم پوشش بدهد. مثلا یک شعبه‌اش بزند توی کار گفتن «نمی‌دانم» که در تمام سطوح جامعه کاربرد خواهد داشت. از مردم عادی گرفته که خجالت می‌کشند در پاسخ به سوال‌ها از این کلمه استفاده کنند، تا بقیه. یا یک شعبه هم باشد که فقط «باشه» و «نه» بگوید. بدون شک از این هم در حد همان شعبه‌های دیگر استقبال خواهد شد، وقتی زورمان می‌آید «باشه» بگوییم یا رویمان نمی‌شود بگوییم «نه». می‌شود ده‌ها شعبه دیگر هم برای این شرکت بتراشیم. اصلا چرا باید لو بدهیم؟ خودمان می‌رویم توی کارش... شما هم هرچه گفتیم نشنیده بگیرید!
علیرضا کاردار

▪ قصارزاده ▪

▪ پاسخ آزمون هوش ▪

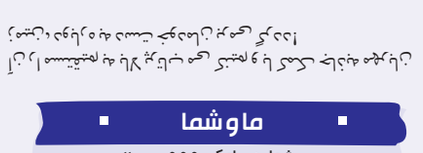

▪ ما و شما ▪

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) می فرمایند: «ایمان مؤمنی کامل تر است که خوش خلق تر باشد.»
* آی کیوتان خیلی بالاست! از کجا فهمیدید آن پیرمردی که در پارکی از کشور چین طناب می زند معلم بازنشسته است؟!
ما و شما: در خبرگزاری به آن و فعالیت های دیگر این معلم بازنشسته اشاره شده بود.
* اگرچه گذشته ولی ممنون بابت این که به یک کلمه عربی ایراد گرفتید.
* در خصوص خودمونی دوشنبه (خوب باشیم) کمی که دقت کنید آقای کاردار نوشتند خودروی شاسی بلند جلوی پای ایشون ترمز زده، یعنی اگه بزرگترهای یک جامعه فرهنگ رو در هر زمینه ای رعایت کنند، بقیه هم تبعیت می کنند!
با تشکر مجید قباد
* اگه قادر نیستی به داد کسی برسی، لطفا معرفت داشته باش و صدای کسی رو درنیار. مسعود مجنونپور
پاسخ خفن استریپ شماره قبل: گلبهی - مذموم - دلربا